

با تو هستم ای مسافر ، که دلت هوای برگشتن و داره  
با تو هستم ای غریبه با دورنگی ، هر ستاره مرحم رنج هزاره  
از تو میگم آسمونی ، ای تموم مهربونی  
ای که غصه رو به روزی ، تو به آخر می رسونی  
انتظارت یه عبادت ، مثل روزه و نمازه  
شیعه با اشک و حماسه ، اعتقادشو می سازه  
{ تو طلایه دار صبحی تا ابد جاریه نورت  
از ازل بار زمونه است روی شونه صبورت } (2)  
تو ادامه ی غدیری ، تو ترانه ی خدایی  
غربت سکوت و بشکن ، ای امام روشنایی  
مثل آسمون بلنده ، قامت سبز نمازت  
قفل انتظار و بشکن که دعایت چاره سازه  
{ می دونم میای دوباره ، رو کویر ما می باری  
توی باغ آرزوها ، گلای نرگس می کاری } (2)  
با تو هستم ای مسافر ، که دلت هوای برگشتن و داره  
با تو هستم ای غریبه با دورنگی ، هر ستاره مرحم رنج هزاره

با تو هستم ای مسافر ، که دلت هوای برگشتن و داره  
با تو هستم ای غریبه با دورنگی ، هر ستاره مرحم رنج هزاره  
از تو میگم آسمونی ، ای تموم مهربونی  
ای که غصه رو به روزی ، تو به آخر می رسونی  
انتظارت یه عبادت ، مثل روزه و نمازه  
شیعه با اشک و حماسه ، اعتقادشو می سازه  
{ تو طلایه دار صبحی تا ابد جاریه نورت  
از ازل بار زمونه است روی شونه صبورت } (2)  
تو ادامه ی غدیری ، تو ترانه ی خدایی  
غربت سکوت و بشکن ، ای امام روشنایی  
مثل آسمون بلنده ، قامت سبز نمازت  
قفل انتظار و بشکن که دعایت چاره سازه  
{ می دونم میای دوباره ، رو کویر ما می باری  
توی باغ آرزوها ، گلای نرگس می کاری } (2)  
با تو هستم ای مسافر ، که دلت هوای برگشتن و داره  
با تو هستم ای غریبه با دورنگی ، هر ستاره مرحم رنج هزاره

با تو هستم ای مسافر ، که دلت هوای برگشتن و داره  
با تو هستم ای غریبه با دورنگی ، هر ستاره مرحم رنج هزاره  
از تو میگم آسمونی ، ای تموم مهربونی  
ای که غصه رو به روزی ، تو به آخر می رسونی  
انتظارت یه عبادت ، مثل روزه و نمازه  
شیعه با اشک و حماسه ، اعتقادشو می سازه  
{ تو طلایه دار صبحی تا ابد جاریه نورت  
از ازل بار زمونه است روی شونه صبورت } (2)  
تو ادامه ی غدیری ، تو ترانه ی خدایی  
غربت سکوت و بشکن ، ای امام روشنایی  
مثل آسمون بلنده ، قامت سبز نمازت  
قفل انتظار و بشکن که دعایت چاره سازه  
{ می دونم میای دوباره ، رو کویر ما می باری  
توی باغ آرزوها ، گلای نرگس می کاری } (2)  
با تو هستم ای مسافر ، که دلت هوای برگشتن و داره  
با تو هستم ای غریبه با دورنگی ، هر ستاره مرحم رنج هزاره

با تو هستم ای مسافر ، که دلت هوای برگشتن و داره  
با تو هستم ای غریبه با دورنگی ، هر ستاره مرحم رنج هزاره  
از تو میگم آسمونی ، ای تموم مهربونی  
ای که غصه رو به روزی ، تو به آخر می رسونی  
انتظارت یه عبادت ، مثل روزه و نمازه  
شیعه با اشک و حماسه ، اعتقادشو می سازه  
{ تو طلایه دار صبحی تا ابد جاریه نورت  
از ازل بار زمونه است روی شونه صبورت } (2)  
تو ادامه ی غدیری ، تو ترانه ی خدایی  
غربت سکوت و بشکن ، ای امام روشنایی  
مثل آسمون بلنده ، قامت سبز نمازت  
قفل انتظار و بشکن که دعایت چاره سازه  
{ می دونم میای دوباره ، رو کویر ما می باری  
توی باغ آرزوها ، گلای نرگس می کاری } (2)  
با تو هستم ای مسافر ، که دلت هوای برگشتن و داره  
با تو هستم ای غریبه با دورنگی ، هر ستاره مرحم رنج هزاره